**باسمه تعالی**

**دوشنبه: 11/2/1396**

**اصول / درس شماره 100**

**درس خارج اصول الفقه استاد سید محمد جواد شبیری**

قبل از ورود به تنبیهات اخبار من بلغ، دو نکته را بیان می کنیم.

ا**ختصاص بلوغ به بلوغ از طریق معتبر**

در مورد معنای بلوغ کلامی از مرحوم مامقانی در مقباس الهدایه[[1]](#footnote-1)، درباره اختصاص بلوغ به بلوغ به طریق معتبر، نقل شد اما پیش از ایشان، در العناوین الفقهیه[[2]](#footnote-2) نیز بلوغ به معنای بلوغ به طریق معتبر نقل شده است. ایشان پس از نقل روایت و اشکالی در استدلال به روایت، بیان می کنند: «و مما ذکر ظهر الجواب عن رابعها، و هو: أن الظاهر من (البلوغ) کونه بدلیل معتمد شرعا، و هذا لا یدل علی المسامحة، بل یدل علی أن المخطئ فی الاجتهاد مأجور و مثاب. و الوجه: أن البلوغ أعم» ایشان به چهارمین اشکال اشاره کرده و آن را پاسخ می دهند ظاهر بلوغ، بلوغ به دلیل معتمد شرعی است و در انتها بیان می کند بلوغ اعم است.

**روایت عنوان بصری به مضمون اخبار من بلغ**!!

مرحوم آقای داماد روایت عنوان بصری را جزو اخبار من بلغ طرح کرده و متن روایت ثواب الاعمال را نقل کرده است.[[3]](#footnote-3) روشن است اشتباهی رخ داده که بعید نیست از بحر الفوائد سرچشمه گرفته باشد. در بحر الفوائد طبع قدیم[[4]](#footnote-4) و طبع جدید[[5]](#footnote-5) از وسائل روایت عنوان بصری نقل شده: (منها ما فی الوسائل ایضا عن کتاب ثواب الاعمال لمحمد بن علی بن بابویه لسنده عن عنوان البصری عن ابی عبد الله علیه السلام من بلغه شیءٌ من الثواب...) اما در چاپ ویرایش سوم بحر الفوائد[[6]](#footnote-6) عنوان بصری به صفوان بصری تغییر داده شده و در پاورقی بیان شده در اصل کتاب عنوان است اما روایت چون در ثواب الاعمال از صفوان است، صفوان باید صحیح باشد.

در این مطلب چند نکته نیازمند تأمل است.

اولا: شیوه ای که مرحوم آقای داماد در اخذ روایات پیش گرفته صحیح نیست و باید مستقیم به کتب حدیثی رجوع شود نه به کتب علما.

ثانیا: شیوه تصحیح در ویرایش سوم بحر الفوائد نیز صحیح نیست زیرا در تصحیح باید نسخه مؤلف متن اصلی بوده و در پاورقی به اشتباه بودن آن تنبیه داده شود نه آنکه متن اصلی تغییر داده شود. از سویی دیگر، صفوان بصری وجود خارجی ندارد و در فرض تصحیح باید عنوان بصری، به صفوان خالی تصحیح شود. شاید منشأ اشتباه در کلام مرحوم آشتیانی آن باشد که در نسخه اصلی کتاب ایشان، صفوان بوده که به اشتباه عنوان خوانده شده و به علت اشتهار عنوان بصری بین متأخرین، قید البصری اضافه شده است.

شهرتی که در مورد عنوان بصری بیان شد تنها بین متأخرین است اما عنوان بصری در هیچ یک از کتب قدیمی حدیثی و رجالی نام ندارد و حتی روایت عنوان بصری که بین متأخرین معروف شده، اصلی ندارد. این روایت برای اولین بار در مشکاه الانوار[[7]](#footnote-7) متعلّق به شیخ علی بن حسن فضل، سبط شیخ طبرسی و نوه مرحوم صاحب مجمع البیان وارد شده و پس از آن در منیه المرید[[8]](#footnote-8) شهید ثانی از خط شهید اول نقل شده و بین متأخرین مشهور شده است. متن روایت عنوان بصری نیز از نظر الفاظ کاملا با نحوه سخن ائمه معصومین ع متفاوت است و تناسبی با روایات اهل بیت ع ندارد. به همین دلیل باید این نوع روایات را کنار گذاشت هر چند از مرحوم آقا سید علی قاضی معروف نقل شده که محور ریاضت های ایشان، روایت عنوان بصری بوده است. از برخی نقل شده که روایت عنوان بصری را جزو احادیث عامه تلقّی کرده است در حالی که در هیچ یک از کتب عامه تا آنجا که استقصاء شده، این روایت مشاهده نشده است.

از مرحوم آقای بروجردی نقل شده روایت «العبودیه جوهر کنهها الربوبیه» هیچ اصلی ندارد. به ایشان عرض شد: این روایت در مصباح الشریعه[[9]](#footnote-9) شهید بلخی وارد شده و مرحوم آقای بروجردی در پاسخ بیان کرد: مصباح الشریعه چگونه کتاب حدیث شمرده می شود؟ کتاب مشکاه الانوار که روایت عنوان بصری در آن نقل شده را نیز نمی توان کتاب حدیثی تلقّی گردد هر چند حتی مصباح الشریعه قدیمی تر از مشکاه الانوار است.[[10]](#footnote-10)

**تنبیهات اخبار من بلغ**

در این مسأله تنبیهات متعدّدی بیان شده که چهار تنبیه را به علت وضوح آنها به صورت اجمالی اشاره می کنیم.

**تنبیه اول: شمول اخبار من بلغ نسبت به وعده به اصل ثواب**

تنبیه اولی که باید بدان اشاره کرد آن است که اخبار من بلغ به مواردی که ثواب مشخصی بیان شده، اختصاص نداشته و شامل مواردی می شود که به صورت کلی، وعده به اصل ثواب داده شده باشد. به نظر این کلام صحیح بوده و بحثی در آن وجود ندارد.

**تنبیه دوم: شمول امر به عمل بدون تصریح به ثواب**

تنبیه دوم آن است که ظاهرا اخبار من بلغ، اختصاص ندارد به مواردی که مفاد خبر بیان ثواب باشد و شامل روایاتی که در آنها امر وجود دارد چه امر وجوبی و چه امر استحبابی می شود. زیرا هر چند امر به دلالت مطابقی دالّ بر ثواب نیست اما به دلالت التزامی دلالت بر ثواب دارد.

اشکال: امکان دارد اشکال شود دلالت التزامی امر بر ثواب دار بودن عمل در صورتی است که ثواب استحقاقی بوده و در فرضی که ثواب تفضّلی باشد، امر دلالت التزامی بر ثواب ندارد.

پاسخ: حتی با این فرض که ثواب تفضّلی بوده و استحقاقی نیست، ارتکاز متشرعه بر ثواب دار بودن امر مولی چه استحبابی و چه وجوبی، و لو به جهت وعده شارع، کافی در دلالت التزامی بر ثواب است و لازم نیست به استحقاق عقلی عملی ذی ثواب باشد.

**تنبیه سوم: معنای عام بلوغ بر فرض عدم اختصاص به بلوغ به طریق معتبر**

بر فرض غمض عین از تقریبی که در اختصاص بلوغ به بلوغ طریق معتبر بیان شد، به نظر بلوغ معنایی عام داشته و شامل بلوغ به فتوای فقیه نیز می شود و لو احتمال داده شود فقیه در استنباط و استخراج حکم، اشتباه کرده باشد. به عبارتی دیگر اخبار من بلغ اختصاص به اخبار عن حس نداشته و اخبار حدسی را نیز شامل است. بله اخبار من بلغ شامل اخبار معلوم الکذب یا فتوای فقیهی که علم به اشتباه بودن مستند آن داریم، نمی شود. پس هر چند اخبار من بلغ فی نفسه عام بوده و شامل اخبار معلوم الکذب و فتوایی که علم به اشتباه بودن مستند آن داریم، می شود اما می توان ادعا داشت اخبار من بلغ از این موارد انصراف دارد.

**تنبیه چهارم: شمول اخبار به وجوب**

تنبیه چهارم آن است که اخبار من بلغ شامل اخبار به وجوب نیز می باشد زیرا اخبار به وجوب، بالملازمه دالّ بر ثواب دار بودن عمل است و همین در شمول اخبار من بلغ نسبت به واجب، کفایت می کند. خبری که دالّ بر وجوب است، دو مفاد دارد ثواب بر فعل و عقاب بر ترک و هیچ مانعی ندارد که خبر دالّ بر وجوب به علت ضعف سند آن، نتواند عقاب بر ترک را اثبات کند اما به ضمیمه اخبار من بلغ، ثواب دار بودن عمل اثبات شود. مرحوم آقا حسین خوانساری در مشارق الشموس این بحث را مطرح کرده و می نویسد: «فإن قلت: الثواب کما یکون للمستحب، کذلک یکون للواجب أیضاً، فلم خصّص الحکم بالمستحب؟

قلت: الأمر کما ذکرت من شمول سماع الثواب علی شی‌ء، للواجب، و المستحب لکنّ الروایتین (ایشان تنها دو روایت محمد بن مروان و هشام بن سالم را نقل کرده است) لا یدلان علی الوجوب بعد السماع، إذ غایة ما یدلان علیه: أنّه إذا فعل أحد بعد السماع، یکون مثاباً، و ذلک إنّما یستلزم رجحان فعله، لا فساد ترکه، فیکون الفعل مستحباً، فعلی هذا إذا روی الأمر الوجوبی بشی‌ء بطریق ضعیف، لکان فعله مستحباً، لما ذکرنا. و ما تری یفعل الأصحاب، من حمل الروایات الضعیفة الدالة علی الوجوب صریحاً، أو ظاهراً، أو احتمالًا مساویاً للندب علی الاستحباب، إنّما هو بمعنی‌أنّ الحکم بالنسبة إلینا، الاستحباب لما عرفت، لا أنّهم یحملون الأمر فی الروایة علی الاستحباب »[[11]](#footnote-11)

**تنبیه پنچم: شمول اخبار من بلغ نسبت به مکروهات**

تنبیه پنجم در این ارتباط است که آیا اخبار من بلغ، شامل موارد کراهت نیز می شود؟ در این رابطه سه مبحث وجود دارد: بحث اول: شمول اخبار من بلغ نسبت به مکروهات. بحث دوم: بر فرض شمول، اخبار من بلغ دالّ بر کراهت عمل است یا دالّ بر استحباب ترک می باشد؟ بحث سوم: آیا اخبار من بلغ شامل مواردی که خبری دالّ بر کراهت عملی بوده و خبری دیگر دالّ بر استحباب همین عمل باشد، می شود؟ شاید یکی از مصادیق بحث سوم این مورد باشد. در مورد عید نوروز روایت معلّی بن خنیس[[12]](#footnote-12) دالّ بر استحباب عید گرفتن بوده و روایت مناقب ابن شهر آشوب[[13]](#footnote-13) لا اقلّ دالّ بر کراهت عید گرفتن نوروز است.

**بحث اول: شمول مکروهات**

در بیان ابتدایی باید گفت: اخبار من بلغ مختص به مستحبات نبوده و شامل مکروهات نیز هست. پیش از توضیح این مطلب، کلام شهید صدر در این زمینه را نقل می کنیم: « المقام لأوّل: فی أصل شمول من بلغ لروایات الکراهة.و وجه الإشکال فی ذلک لیس هو دعوی أنّ الظاهر منها هو النّظر إلی جانب الطلب و الترغیب لا إلی جانب‏ الزجر حتی یقال فی المقام: إنّ هذا الإشکال لا یأتی فی أخبار الحثّ و الترغیب علی الترک و استحبابه»[[14]](#footnote-14) در این کلام، شهید صدر اشکال را از مجرای خویش خارج کرده است. به نظر می رسد هیچ وجهی ندارد اخبار من بلغ را تنها شامل اخباری بدانیم که ترغیب به عمل می کند و اخباری که زجر می کند را از اخبار من بلغ، خارج بدانیم زیرا دو بحث در اخبار من بلغ وجود دارد که نباید خلط شود. در بحث اول موضوع اخبار من بلغ تصویر شده و محدوده موضوعی این اخبار بررسی می شود که آیا شامل مکروهات نیز می باشد؟ در بحث دوم از این بحث می شود که آیا اخبار من بلغ دالّ بر ترغیب و استحباب هستند؟ به نظر می رسد خلطی در این کلام منقول از شهید صدر وجود دارد و مقام در بحث اول است و در این بحث باید گفت اخبار من بلغ، شامل مواردی است که وعده ثواب داده شده باشد چه وعده ثواب بر فعل و چه وعده ثواب بر ترک و نمی توان گفت اخبار من بلغ تنها شامل مواردی است که در آن ترغیب وجود دارد و مواردی که زجر دارد از مفاد اخبار من بلغ خارج است.

اما این تقریب بدوی در شمول کراهت، تقریبی ناتمام است زیرا در اخبار من بلغ، عباراتی مانند: فعمله، فصنعه، فعمل ذلک الفعل و مانند آن وارد شده که ظهور در وجودی بودن، خبر ضعیف است به این معنا که فعل و انجام مفاد خبر ضعیف مطرح شده و بر آن ثواب بار شده و روشن است که ثواب بر فعل تنها در مستحباب است نه در مکروهات. پس هر چند صدر اخبار من بلغ عام است و بلوغ ثواب بر مکروهات را نیز شامل است اما این اطلاق به علت قرینه «فعلمه» ثابت نشده و با وجود قرینه بر خلاف، مقدّمات حکمت برای استفاده اطلاق، ناتمام است.

در ادامه مرحوم شهید صدر بر خلاف مرحوم آقای خویی، اخبار من بلغ را شامل مکروهات دانسته و برای اثبات این سخن، به تناسب حکم و موضوع تمسک می کنند. ایشان بیان می کند: تناسب حکم و موضوع مقتضی آن است که فعل و ترک خصوصیتی نداشته باشد. پس هر چند به قرینه «فعلمه» مدلول لفظی روایت مختص به مستحبّات است اما به تناسب حکم و موضوع از مستحبّ الغای خصوصیت داشته و اخبار من بلغ شامل مکروهات نیز می باشد.

در مباحث الاصول، به دراسات مرحوم آقای خویی آدرس داده است. این بحث در مصباح الاصول مرحوم آقای خویی که تقریر دوره سوم است، وجود ندارد اما در هدایه آقای صافی که تقریر دوره دوم است، این بحث وجود دارد.

در مصباح الفقاهه[[15]](#footnote-15) به تناسب بحث از کراهت تلقّی رکبان که اخبار ضعیفی دالّ بر حرمت آن است، بحث از شمول اخبار من بلغ نسبت به مکروهات مطرح شده است. ایشان در این بحث تنها بیان کرده است روایت ضعیفی دالّ بر حرمت تلقّی رکبان است که می توان با قاعده تسامح در ادلّه سنن، کراهت تلقّی رکبان را اثبات کرد. شمول قاعده تسامح در ادله سنن نسبت به مکروهات مبتنی بر شمول اخبار من بلغ نسبت به مکروهات است اما مرحوم آقای خویی از مبنای خویش در این زمینه و دلیل بر آن، بحث نکرده است. اما در الهدایه، بیان کرده است نمی توان از اخبار من بلغ الغای خصوصیت کرده و آنها را شامل مکروهات نیز دانست.

**تحقیق در شمول مکروهات**

به نظر می رسد باید در این مسأله تفصیل داد و بیان کرد: یا ملاک استحباب در اخبار من بلغ ملاکات واقعیه است به این معنا که شارع مقدّس برای عمل به خبر ضعیف، ثواب جعل کرده تا مکلّف به ملاک واقعی عمل برسد و یا ملاک استحباب، ملاک جدید است.

اگر قائل شویم که اخبار من بلغ، مثبت ملاک جدید هستند، نمی توان از مورد آن که مستحبات است الغای خصوصیت کرد زیرا ملاک جدید امری تعبّدی بوده و محدوده آن برای ما روشن نیست به همین علت باید به همان مستحبّاتی که ذکر شده، اکتفا کرد.

اما در صورتی که ملاک جعل ثواب، حسن انقیاد باشد تفاوتی بین مستحبّ و مکروه در حسن انقیاد وجود ندارد. در این دو صورت حکم روشن بوده و در فرض اول شامل مکروهات نیست و در فرض دوم مکروهات را نیز شامل است.

اما فرض سومی وجود دارد که روایت جنبه طریقیت داشته و شارع مقدّس برای تأمین اغراض واقعی خویش، حکم را در دایره ای وسیع تر جعل کرده است که این خود نوعی حکم ظاهری است.[[16]](#footnote-16) مطابق این فرض، امکان دارد بیان شود ارتکاز عقلایی بر تفاوت نداشتن مکروهات و مستحبّات است و درجه اهمیت ملاک استحبابی و کراهتی نزد شارع واحد است. حتی امکان دارد گفته شود، ملاکات کراهتی نزد شارع مهم تر از ملاکات استحبابی است کما این که در محرّمات بیان شد، دفع مفسده اولی از جلب مصلحت است. در نتیجه با ضمیمه این ارتکاز عقلایی، ذکر مستحبّات در اخبار من بلغ، حمل بر مثالیت می شود و اخبار من بلغ شامل هر کار ثواب داری است، فعلا او ترکا.[[17]](#footnote-17) شاید شهید صدر که الغای خصوصیت از مستحبّات را پذیرفته، بر همین مبنا مشی کرده باشد.

اما به نظر می رسد هر چند ارتکاز عقلا همین گونه است و حداقل اهتمام شارع نسبت به ملاکات کراهتی و استحبابی به یک میزان است اما نکاتی وجود دارد که مانع الغای خصوصیت از مستحبّات است.

اولا: ممکن است جعل ثواب بر ترک محتمل الکراهه موجب ایجاد توسوس در افراد شود کما اینکه به همین سبب امکان دارد شارع در واجبات جعل احتیاط کرده اما در محرّمات جعل احتیاط نکند.

ثانیا: ممکن است این روایت جنبه اماریت داشته و اماریّت اخباری که دالّ بر استحباب هستند نسبت به واقع، بیشتر باشد اما اماریّت اخباری که دالّ بر کراهت هستند، نسبت به واقع کمتر باشد.

لازم به ذکر است که این دو احتمال تنها در حدّ احتمال است و نمی توان آنها را استظهار کرد اما صرف احتمال آنها نیز مانع الغای خصوصیت در اخبار من بلغ است.

در جلسه آینده در مورد مراحل بعدی بحث از تنبیه سخن خواهیم گفت.

**و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد**

1. مقباس الهدایه جلد 1 صفحه 196 [↑](#footnote-ref-1)
2. العناوین الفقهیه؛ ج 1، ص: 429 [↑](#footnote-ref-2)
3. المحاضرات ( مباحث اصول الفقه ) ؛ ج‏2 ؛ ص282 و فيه مضافا الى ان هذا النحو من التقدير ليس مرجوحا بالنسبة الى المجاز ذاتا، انه ليس مرجوحا بعد ورود بعض هذه الاخبار باظهاره، منها: ما عن عنوان البصري عن‏ ابى عبد الله عليه السّلام «قال من بلغه شى‏ء من الثواب على شى‏ء من الخبر» الخبر. و منها: ما عن الكافى بسنده الصحيح عنه ما قال «من سمع شيئا من الثواب على شى‏ء» الخبر، [↑](#footnote-ref-3)
4. بحر الفوائد في شرح الفرائد ( طبع قديم ) ؛ ج‏2 ؛ ص65 [↑](#footnote-ref-4)
5. بحر الفوائد فى شرح الفرائد ( طبع جديد ) ؛ ج‏5 ؛ ص27 [↑](#footnote-ref-5)
6. بحر الفوائد فى شرح الفرائد ( ويرايش سوم ) ؛ ج‏4 ؛ ص117 و في الكتاب عن عنوان‏ البصري‏ و الصحيح ما أثبتناه، على انّه ليس في المصدر لفظ البصري بل ليس صحيحا قطعا. [↑](#footnote-ref-6)
7. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار ؛ النص ؛ ص325 عَنْ عُنْوَانَ‏ الْبَصْرِيِ‏ وَ كَانَ شَيْخاً كَبِيراً قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَ تِسْعُونَ سَنَةً قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا حَضَرَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ ع الْمَدِينَةَ .... [↑](#footnote-ref-7)
8. منية المريد ؛ ص148 وَ فِي حَدِيثِ عُنْوَانِ‏ الْبَصْرِيِ‏ الطَّوِيلِ عَنِ الصَّادِقِ ع‏ .... [↑](#footnote-ref-8)
9. مصباح الشريعة ؛ ص7 قَالَ الصَّادِقُ ع‏ الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كُنْهُهَا الرُّبُوبِيَّةُ فَمَا فُقِدَ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ وُجِدَ فِي الرُّبُوبِيَّةِ وَ مَا خَفِيَ عَنِ الرُّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فِي الْعُبُودِيَّة [↑](#footnote-ref-9)
10. شخصی بیان می کرد: تاریخ ولادت حضرت ابا الفضل ع منبع معتبری ندارد و از این جعلیات است ولی جعل قدیمی ! [↑](#footnote-ref-10)
11. مشارق الشموس في شرح الدروس؛ ج1، ص: 157 [↑](#footnote-ref-11)
12. عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية ؛ ج‏3 ؛ ص41 إِلَى الْمُعَلَّى‏ بْنِ خُنَيْسٍ عَنِ الصَّادِقِ7‏ أَنَّ يَوْمَ النَّيْرُوز ... [↑](#footnote-ref-12)
13. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب) ؛ ج‏4 ؛ ص318 وَ حُكِيَ‏ أَنَّ الْمَنْصُورَ تَقَدَّمَ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بِالْجُلُوسِ لِلتَّهْنِئَةِ فِي يَوْمِ النَّيْرُوز..... [↑](#footnote-ref-13)
14. مباحث الأصول ؛ ج‏3 ؛ ص535 [↑](#footnote-ref-14)
15. مصباح الفقاهه؛ ج 3، ص: 799 [↑](#footnote-ref-15)
16. مبنایی در مورد حکم ظاهری وجود دارد که در کلمات مرحوم آغا ضیاء، مرحوم آقای خویی و دیگران وارد شده و شهید صدر به تفصیل این مبنا را توضیح داده است. مطابق این مبنا، حکم ظاهری در مقام تزاحم احکام واقعیه و در مقام اشتباه و شک در محطّ ملاکات واقعیه حکم ظاهری جعل می شود. [↑](#footnote-ref-16)
17. در موارد دیگر الغای خصوصیت مانند رجل شک بین الثلاث و الاربع، همین ارتکاز عقلایی در تفاوت نداشتن زن و مرد در حکم، موجب الغای خصوصیت از مرد و حمل مثال بودن مرد می شود. [↑](#footnote-ref-17)